

نحوه مواجهه امام محمد باقر ۷ با فرقه‌های خوارج و غلات

با تأکید بر اندیشه امام خامنه‌ای مدظله العالی

عاطفه رضایی^۱

چکیده

یکی از چالش‌های مهم دوران امامت امام باقر ۷، خوارج و غلات و اندیشه‌های انحرافی آنان در این دوران است. نارضایتی گروهی از وضعیت موجود، روحیه تمرد و تعصب‌های قبیله‌ای از جمله ریشه‌های پیدایش خوارج و افراط در محبت از جمله زمینه‌های به وجود آمدن تفکر غلات بود و مواجهه با این دو گروه از ضروریات سیره اهل بیت به‌خصوص امام محمد باقر ۷ بوده است. بر این اساس، نوشتار نحوه مواجهه امام محمد باقر ۷ با فرقه‌های خوارج و غلات با تأکید بر اندیشه امام خامنه‌ای مدظله العالی را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده است که امام باقر ۷ با پاسخ دادن به شبهات دینی و مناظره با فرقه‌های منحرف خدمتی بزرگ به اسلام نمود و بدین شیوه از اصول و مبانی دین اسلام دفاع نموده و به نشر تعالیم احکام اسلام پرداختند و با بیانی روشن ماهیت آنها را افشا نموده و با قاطعیت آنان را از حوزه تشیع دور ساختند. امام باقر ۷ در مواجهه با خوارج با شیوه کلامی احتجاج، با آنها ارتباط برقرار می‌کرد و به تصحیح اندیشه‌ها و باورهای منحرفان عقیدتی می‌پرداخت و در مواجهه با غالیان، پند و اندرز و همچنین تکذیب عقاید و در نهایت لعن و طرد منحرفان بوده و با آنان به مبارزه پرداخت و از ایشان بیزارى جست و از شیعیان خواست موضعی میانه اتخاذ نمایند و شیعیان را از پذیرش آموزه‌های این طایفه بر حذر داشت چنانچه در اندیشه حضرت امام خامنه‌ای مدظله العالی، یاد امام باقر ۷، یعنی یاد سر برآوردن حیات دوباره جریان اصیل اسلامی در مقابله با تحریف‌ها و مسخ‌هایی که انجام گرفته بود.

واژگان کلیدی: اندیشه امام خامنه‌ای مدظله العالی، امام محمد باقر ۷، خوارج، غلات، مواجهه.

۱. مرکز غیر حضوری خواهران قم؛ Seyedrezara@gmail.com

مقدمه

در زمان ائمه اطهار : گروه‌های بسیاری با عقاید و گرایش‌های مذهبی مختلف در جامعه پیدا شدند که این گروه‌ها با طرح عقاید انحرافی خویش در جامعه شیعی، بعضی از شیعیان را به خود جلب کردند و از این طریق ضربات زیادی به جامعه شیعه وارد نمودند.

این فرقه‌های انحرافی در طول تاریخ حضور ائمه، به‌خصوص در دوران امام باقر γ حضور پر رنگی داشتند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز در یکی از خطبه‌های نماز جمعه به تشریح ابعاد زندگی حضرت امام محمد باقر γ پرداختند، ایشان با ذکر این نکته که خط اصلی زندگی ائمه معصومین : مبارزه با دشمنان خدا و طاغوت‌ها بوده و باید به عنوان زندگی یک انسان دویست و پنجاه ساله تفسیر شود، مبارزه با تحریف معارف و احکام اسلامی و نیز ایجاد تشکیلات بین شیعیان را دو اقدام مهم امام باقر γ عنوان کردند. شناخت مواضع امام در رویارویی با این جریان‌های انحرافی، موجب شناخت دیدگاه‌ها و اندیشه‌های تابناک آن حضرت است. همچنین انحراف از سیره و روش زندگی ایشان، خطری بسیار جدی و قابل توجه است که لازم است، مورد توجه قرار گرفته و از راهکارهای مؤثر در برابر آن و آشنایی با اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب در این زمینه، ضرورت ارائه این پژوهش را دو چندان می‌کند. براین اساس، نوشتار حاضر در نظر دارد نحوه مواجهه امام محمد باقر γ با فرقه‌های خوارج و غلات، با تأکید بر اندیشه امام خامنه‌ای مدظله العالی را مورد بررسی قرار دهد.

در این زمینه مطالعاتی انجام شده از جمله؛ کتاب بررسی نحوه مواجهه امام جعفر صادق γ با فرقه‌های انحرافی غلات و مرجئه اثر ایوب رنجبری که در سال ۱۳۹۸ در انتشارات مشعل هدایت قم به چاپ رسیده است. مقاله واکاوی پیدایش نحله‌های فکری در عصر امام محمد باقر γ ، اثر محمد دارینی و همکاران که در شماره ۵۲ پژوهشنامه تاریخ در سال ۱۳۹۷ به چاپ رسیده است. مقاله حسن علی آقازاده، شیوه امام باقر γ در مبارزه با انحراف که در سال ۱۳۸۵ در شماره ۶۶ مجله فرهنگ کوثر به چاپ رسیده است. پایان‌نامه بررسی شیوه‌های ارتباطی امام باقر γ ، اثر فهیمه دهقان نیری که در دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۹۹ دفاع شده است. اما هیچ تحقیق مستقلی در بررسی نحوه مواجهه امام محمد باقر γ با فرقه‌های خوارج و غلات با تأکید بر اندیشه امام خامنه‌ای مدظله العالی انجام نگرفته و نوشتار حاضر در نظر دارد به این مهم بپردازد.

مفهوم شناسی

۱. امام محمدباقر ۷

امام محمدبن علی زین العابدین ۷ ملقب به باقر؛ امام پنجم شیعیان دوازده امامی است. بنا بر قول مشهور در روز سوم ماه صفر یا اول رجب سال ۵۷ ه. ق در شهر مدینه دیده به جهان گشود. کنیه ایشان ابوجعفر بود. پدر آن حضرت، علی بن حسین بن ابیطالب و مادرش فاطمه، دختر امام حسن مجتبی بود، یعنی آن حضرت، نوه امام حسن ۷ و نوه امام حسین ۷ بود و از دو سو علوی و فاطمی و هاشمی بود.^۱

آن حضرت، هنوز کودکی خردسال بود که خانواده ایشان گرفتار واقعه غم‌انگیز کربلا شدند. یعقوبی از آن حضرت روایت میکند که فرمود: «هنگامی که جدم حسین ۷ به شهادت رسید، من چهار ساله بودم و جریان شهادت آن حضرت و آنچه در آن روز بر سر ما گذشت، همه را به یاد دارم.»^۲

پس از شهادت جدش، مدت ۳۴ سال نیز با پدر بزرگوارش زندگی کرده و بعد از پدر، مدت نوزده سال، امامت شیعیان را بر عهده داشته‌اند و پس از عمری تلاش در راه اعتلای دین حق، بنا بر قول مشهورتر در هفت ذی الحجه سال ۱۱۴ هجری قمری به شهادت رسیدند.^۳ ایشان در قبرستان بقیع، در جوار پدرش امام سجاد ۷ و پدربزرگ مادری‌اش امام حسن مجتبی ۷ مدفون شدند.^۴

امام باقر ۷ پنج پسر و دو دختر داشته‌اند که نام‌های آنها از این قرار است: جعفر بن محمد الصادق و عبدالله که مادر این دو ام فروه بود؛ ابراهیم و عبیدالله که در کودکی در گذشتند و مادرشان ام حکیم بود؛ علی و زینب و ام سلمه که مادرهایشان کنیز بودند.^۵

برای امام محمد باقر ۷ این القاب ذکر شده است: باقر، شاکر، هادی، صابر، شاهد، شبیه (به سبب شباهت به پیامبر اکرم ۶) و امین.^۶ مشهورترین لقب آن حضرت، «باقر» است. باقر؛ در زبان عربی به معنای شکافنده، از ریشه بقر به معنای شکافتن و گشایش است. ابن منظور، درباره واژه باقر می‌نویسد: «در لغت؛ تبقر، داشتن علم و مال زیاد را

۱. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۶۹؛ جلال الدین سیوطی، عرف‌الوردی فی الخیارالمهدی، ص ۲۵۹.

۲. احمدبن اسحاق یعقوبی، تاریخ‌الیعقوبی، ج ۲، ص ۳۲۰.

۳. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲۲۷.

۴. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۱۷.

۵. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۵۰.

۶. ابن جریرطبری، دلائل الامامه، ص ۹۴.

گویند و به محمد بن علی بن حسین بدان جهت باقر گفته می‌شود که ایشان علم را شکافت و اصول آن را مشخص و طرز استنباط فروع علم از اصول آن را بیان فرمود.^۱

جابر بن عبدالله انصاری؛ که از اصحاب ارجمند و قابل احترام پیامبر بود، روایتی از پیامبر اکرم ^۶ در فضیلت حضرت باقر ^۷ نقل کرده است. جابر می‌گوید: «رسول خدا ^۶ به من فرمود: «يُوشِكُ أَنْ تَبْقَى يَا جَابِرُ حَتَّى تَلْقَى وَادًّا لِي مِنَ الْحُسَيْنِ يُقَالُ لَهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ يَبْقُرُ عِلْمَ الدِّينِ بَقْرًا فَإِذَا لَقَيْتَهُ فَأَقْرِئْهُ مِنِّي السَّلَامَ؛ ای جابر تو زنده میمانی تا فرزندی از من را که از اولاد حسین است و او را محمد بن علی می‌گویند و علم دین را به بهترین وجه می‌شکافت، ملاقات می‌نمایی؛ پس آنگاه که او را ملاقات کردی سلام مرا به او برسان.»^۲

۲. امام محمد باقر ^۷ در اندیشه امام خامنه‌ای ^{مدظله العالی}

حضرت آیت الله خامنه‌ای ^{مدظله العالی} معتقدند زندگی ائمه را باید در یک دوران ۲۵۰ سال (دوران زندگی ائمه معصومین) مطالعه و بررسی کرد، درباره مبارزات امام باقر ^۷ اظهار داشتند: این امام بزرگوار از سال ۹۵ تا سال ۱۱۴ هجری یعنی ۱۹ سال در میدان جهاد و مبارزه بود. امام باقر ^۷ در دورانی بار مسئولیت را بر دوش می‌گرفت که عالم اسلام در زیر بار سنگین حکومت طاغوت یعنی خلفای جبار مروانی کمر خم کرده بود. لازم بود که جامعه اسلام و مخصوصاً مبارزان و کسانی که دلشان در هوای حکومت اسلامی می‌تپید، سازماندهی و تشکیلات دهی کنند.^۳

ایشان افزودند: لازم بود محوری این عناصر پراکنده را جمع کند. هم به آنها فکر و ایدئولوژی بدهد، هم آنها را با وضع سیاست دستگاه حاکم آشنا کند و هم عناصر بالقوه فعال را به میدان مبارزه بکشاند و همه این‌ها در زمانی انجام می‌گرفت که شدت اختناق و فشار هشام بن عبدالملک و بقیه خلفایی که در آن دوران به حکومت رسیدند، در حد اعلی بود. در یک چنین دوران سیاه و پرخفانی اما باقر این بار مسئولیت را به دوش گرفت. ۱۹ سال مبارزه کرد. این ۱۹ سال را به برکت استعانت به خدا و صبر و خسته شدن و فداکاری‌ها را وظیفه شمردن، قدرت آن را پیدا کرد که ۱۹ سال این مبارزه بی‌امان و دشوار را ادامه بدهد. شیعیان را با خود به صحنه مبارزه بکشاند و دشمن را به ستوه بیاورد.

رهبر انقلاب افزودند: امام باقر ^۷ در طول این مدت توانست وضع را به جایی برساند که شیعه فداکار با اخلاص بعد از رحلت امام باقر ^۷ انتظار آن را داشت که در طول چند سال کوتاه، حکومت علوی و اسلامی سر کار بیاید. امام

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۴۵۹.

۲. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۵۹.

۳. سید علی خامنه‌ای، انسان ۲۵۰ ساله، ص ۱۱۲۰.

باقر^۷ در دو جبهه مبارزه کرد؛ اولاً در جبهه فکر و اندیشه اسلامی و تبیین قرآن و اسلام راستین، ثانیاً در جبهه درگیری و برخورد سیاسی و این برای ما یک درس بزرگ است. درس های اخلاقی که من و شما در کتاب می خوانیم و درباره آن تعمق کافی نمی کنیم، دانه دانه توصیه های امام باقر^۷ به آن کسانی بود که باید مشکلات مبارزه را تحمل می کردند و پیش می رفتند.^۱

۳. مواجهه

مواجهه به معنای روبرو شدن صورتی با صورت دیگر است.^۲ واژه مواجهه از باب مفاعله است و اصل آن از «وجه» است.^۳ مواجهه، اسم مصدر است که در لغت، به معنای رویارویی و مقابله و روبرویی است.^۴

۴. خوارج

خوارج یعنی شورشیان، از واژه «خروج» به معنای «سرکشی و طغیان» گرفته شده است.^۵ خوارج، در عصر امام باقر^۷ حضور فعالی داشتند. از مواضع افراطی آنان می توان به تکفیر امام علی^۷، تنگ نظری، تعصب در باورها و جهل آنان اشاره کرد. امام باقر^۷ درباره آنان می فرمودند: «إِنَّ الْخَوَارِجَ ضَيَقُوا عَلَيَّ أَنفُسَهُمْ بِجَهَالَتِهِمْ إِنْ الدِّينَ أَوْسَعُ مِنْ ذَلِكَ؛ خوارج از روی جهالت عرصه را بر خود تنگ گرفته اند. دین ملایم تر و قابل انعطاف تر از آن است که آنان می شناسند.»^۶

ظهور و پیدایش خوارج، در نیمه قرن اول هجری یعنی در حدود سال ۳۷ هجری، مقارن با خلافت امیرالمومنین امام علی^۷ بوده است. در جنگ صفین، در آخرین روزی که جنگ داشت به نفع امام علی^۷ خاتمه می یافت، معاویه با مشورت عمروعاص دست به یک نیرنگ ماهرانه ای زد. دستور داد قرآن ها را بر سر نیزه ها بلند کنند که مردم! ما اهل قبله و قرآنیم، بیایید آن را در بین خویش حکم قرار دهیم. حضرت علی^۷ به مردم توصیه کرد که اینها می خواهند در پناه قرآن خودشان را حفظ کنند و بعد به روش ضد قرآنی خود عمل کنند. ولی عده ای از نادانها و مقدس نماهای بی تشخیص که جمعیت بسیاری را تشکیل می دادند، از فرمان امام عادل معصوم، سرپیچی کردند و از حقیقت فاصله گرفتند و جریان حکمیت پیش آمد و نتیجه به ضرر اسلام تمام شد. خوارج از اینجا به عنوان

۱. همان.

۲. محمد بن یعقوب فیروزآبادی، القاموس المحیط، ج ۴، ص ۳۱۲؛ سید مرتضی زبیدی، تاج العروس، ج ۱۹، ص ۱۱۱.

۳. حسن مصطفوی، التحیق فی کلمات القرآن، ج ۱۳، ص ۴۶.

۴. علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ج ۱۴، ص ۲۱۷۲۶؛ محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۴، ص ۴۴۱۷.

۵. مرتضی مطهری، جاذبه و دافعه علی ع، ص ۱۱۴.

۶. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۰۵؛ شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۸۳.

یک فرقه مذهبی دست به فعالیت زدند. ابتدا یک فرقه یاغی و سرکش بودند و به همین جهت خوارج نامیده شدند ولی کم‌کم برای خود اصول عقایدی تنظیم کردند و دست به فعالیت‌های ناشایستی زدند.^۱

خوارج، محدود به عصر امام علی ^۷ نبودند. بلکه در دوران امام‌های دیگر نیز فتنه‌ها بپا کردند و ضررهای جبران ناپذیری به اسلام زدند. مثلاً در دوره امام حسن مجتبی ^۷، امام را بخاطر صلح او با معاویه بسیار سرزنش کردند. در دوره امامت امام حسین ^۷ ایراد می‌گرفتند که حسین از یزید، خروج کرده است. آنها به مردم چنین القا می‌کردند که یزید، آدم خوبی است و حرکت امام حسین ^۷ قیام علیه حاکم خوب است؛ شمر و سنان از خوارج بودند.^۲

۵. غلو در لغت و اصطلاح

غُلُو از ماده «غ ل و» بر وزن فُعُول، مصدر غلی یغلو، در لغت به معنای ارتفاع، افراط، با رفتن و تجاوز از حد و مقدار و زیاده‌گویی و زیاده‌انگاری است.^۳ در تعریف اصطلاحی غلو، هرچند اتفاق نظر وجود ندارد، اما عمدتاً این واژه در مورد کسانی به کار می‌رود که پیامبران امامان و رهبران خویش را از حد بندگان و آفریدگانی الهی فراتر برده و آنان را خدا و یا متصف به صفات خدایی دانسته‌اند.^۴

در این تحقیق مقصود از غلات کسانی هستند که امامان : را خدا می‌دانستند و یا صفات فوق بشری برای آنان قائل بودند. اباحی‌گری به عنوان یکی از بارزترین نشانه‌های غالیان قلمداد شده است. در روایتی امام صادق ^۷ اشاره دارد: غالیان به جهت فرار از برپا داشتن واجبات و ادای حقوق، نافرمانی خداوند را کوچک شمرده‌اند.^۵ در کتب فقهی نیز اباحی‌گری از مصادیق بارز غلو تلقی شده است.^۶

با مراجعه به فرقه‌های غالی و عقاید غالیانه، می‌توان اباحی‌گری را در بسیاری از این جریان‌ها به وضوح مشاهده کرد. افرادی چون مغیره بن سعید (۱۱۹ م.)، ابومنصور عجلی (۱۲۲ م.)، محمد بن مقلاص اسدی مشهور به ابوالخطاب (۱۳۸ م.)، معمر بن احمر (قرن دوم)، محمد بن نصیر نمیری (۲۷۰ م.)، و شلمغانی (۲۳۲ م.) در مواردی

۱. مرتضی مطهری، جاذبه و دافعه علی ع، ص ۱۰۷ - ۱۱۳.

۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۹۸.

۳. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۴، ص ۴۴۶؛ فخرالدین بن محمد طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۳۱۹.

۴. شیخ مفید، صحیح اعتقادات الامامیه، ص ۱۳۱.

۵. شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۲۷.

۶. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۴۵؛ محمدحسن جواهری، جواهر الکلام، ج ۶، ص ۵۰. امام خمینی، کتاب الطهاره، ج ۳، ص ۳۳۹.

با تأویلات ناروا^۱ و احیاناً با برداشت‌های نادرست از برخی از روایات،^۲ به دام اباهیگری افتاده‌اند این افراد بعضاً ازدواج با محارم را جایز شمرده و حکم به عدم لزوم رعایت واجبات و محرمات کرده‌اند.^۳ دقت در باورهای اباحی گرایانه قالیان نشان می‌دهد که آنان با تأویل واجبات و محرمات، بهشت و جهنم و آیات قرآن و احیاناً با برداشت ناقص و یا انحرافی از بعضی روایات و بعضاً با استدلال‌های بی‌پایه، در دام اباحی‌گری افتاده‌اند و به تبلیغ آن پرداخته‌اند.

الف. نحوه مواجهه امام محمد باقر ۷ با خوارج

امام باقر ۷ در مواجهه با خوارج با شیوه کلامی احتجاج، با آنها ارتباط برقرار می‌کرد و به تصحیح اندیشه‌ها و باورهای منحرفان عقیدتی می‌پرداخت.

احتجاج در لغت، به معنای حجت آوردن، دلیل آوردن، استدلال کردن و خصومت کردن است. احتجاج از ریشه حج، به معنای قصد گرفته شده است و دلیلی که با آن مدعا ثابت می‌شود، مقصود شخص احتجاج کننده است.^۴ کلمه حجت در اصل به معنای «قصد» بوده است ولی بعدها در اثر کثرت استعمال، به معنای «به کرسی نشانیدن مقصد و مدعا» به کار رفته است؛^۵ بنابراین احتجاج در اصطلاح، حجت و دلیل آوردن و استدلال نمودن بین دو طرف برای اثبات حق و رد باطل است.

یکی از روش‌های گفتگو؛ که قرآن کریم به وسیله آن دستور به احتجاج با منکران دین می‌دهد، مجادله است. مجادله با منکران باید به گونه‌ای باشد که به طریق نیکو و احسن واقع شود و موجب دفع و رفع شبهات آنان شود. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ؛ و با اهل کتاب، جز به [شیوه‌ای] که بهتر است، مجادله نکنید مگر [با] کسانی از آنان که ستم کرده‌اند.»^۶

شرایط مجادله نیکو که خداوند در این آیه به آن امر فرموده، این است که اولاً با نرمی و سازش همراه باشد و با درشت‌خویی و طعنه و اهانت نباشد. ثانیاً هر دو طرف علاقه‌مند به روشن شدن حق باشند و سبب می‌شود که لجاجت و عناد نوزند. ثالثاً خداوند دسته‌ای را در آیه مستثنا کرده و آنها ظالمان هستند و مراد از ستم به قرینه

۱. سعد بن عبدالله اشعری، مقالات الاسلامیین، ص ۱۰.

۲. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۳۸۸؛ قاضی نعمان، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۵۰.

۳. سعد بن عبدالله اشعری، المقالات و الفرق، ص ۴۸ و ۵۳؛ حسن بن موسی نوبختی، فرق الشیعه، ص ۹۴.

۴. محمد بن محمد زبیدی، تاج العروس، ص ۳۱۶.

۵. محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۲، ص ۳۴۸.

۶. عنکبوت (۲۹)، آیه ۴۶.

سیاق این است که آن کسانی که شما می‌خواهید با آنها مجادله کنید معاند نباشند؛ زیرا نرمی و ملاحظت در سخن را حمل بر ذلت و خواری می‌کنند.^۱

روش مجادله نیکو در سیره تمام انبیا و اولیای الهی بوده است. خداوند متعال، حضرت ابراهیم را مثال می‌زند که با نمرود (یکی از سلاطین بابل قدیم) بحث و محاجه نموده و فرموده است: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ، آيَا [حال] آن کس که چون خدا به او پادشاهی داده بود [و بدان می‌نازید، و] در باره پروردگار خود با ابراهیم محاجه [می‌کرد، خبر نیافتی؟]»^۲

۱. احتجاجات امام باقر ۷ با خوارج درباره امیرالمومنین امام علی ۷

امام باقر ۷ برای تحکیم پایه‌های اندیشه شیعه، بسیار کوشش کرد و امامت شیعه را به خوبی برای همگان معرفی کرد. امام باقر ۷ در احتجاجاتی که با سران خوارج داشت، درصدد رفع شبهات آنان درباره جایگاه و ارزش امیرالمومنین امام علی ۷ برآمد.

اول. رفع شبهه حکمیت

امام باقر ۷ به نافع بن ازرق؛ یکی از سران خوارج فرمود: «به این مارقه^۳ بگو چگونه جدانشدن از امیرالمومنین ۷ را جایز دانستید، با این که در پرتو پیروی او و تقرب به خدا در یاری او (پیش از جریان حکمین) خون‌های خود را در رکابش ریختید؟» نافع گفت: آنها در پاسخ، خواهند گفت: «او درباره دین خدا حکم قرار داد.»^۴

امام فرمود: «به ایشان بگو: اولاً؛ خود خداوند نیز در شریعت داوری به دو مرد از بندگانش سپرده است. در آنجا که (درباره اختلاف میان زن و شوهر) فرموده است: «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا؛ و اگر از جدایی میان آن دو [زن و شوهر] بیم دارید پس داوری از

۱. محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۶، ص ۱۳۷.

۲. بقره (۲)، آیه ۲۸۵.

۳. مارقه به گروه خوارج اطلاق شده، زیرا آنان از زیر بار بیعت خود با امیرالمومنین امام علی ۷ خارج شدند. بدین جهت امام علی

۷ در خطبه شقشقیه درباره ایشان فرمود: ومرقت آخری. (خطبه ۳ نهج البلاغه)

۴. خوارج معتقد بودند که انسان شایسته حکمیت نیست و حکمیت منحصر به خداست. از این رو امام علی (ع) را به واسطه پذیرفتن حکمیت کافر می‌دانستند. (مرتضی مطهری، جاذبه و دافعه علی، ص ۱۱۲)

خانواده آن [شوهر] و داوری از خانواده آن [زن] تعیین کنید. اگر سر سازگاری دارند، خدا میان آن دو سازگاری خواهد داد.^۱

ثانیاً؛ رسول خدا ^۶ در جریان جنگ بنی قریظه و تعیین سرنوشت آنان، حکمیت را به سعدبن معاذ سپرد و به آنچه مورد امضا و پذیرش خداوند بود، حکم کرد. امام، در ادامه فرمود: «به خوارج باید گفت: آیا شما نمی‌دانید که وقتی امیرالمؤمنین، حکمیت را پذیرفت، به افرادی که حکمیت بر عهده آنان نهاده شده بود، فرمان داد تا بر اساس قرآن، حکم کنند و از حکم خداوند فراتر نروند و شرط کرد که اگر حکم آنان خلاف قرآن باشد، آن را نخواهند پذیرفت. زمانی که حکمیت علیه امیرالمؤمنین امام علی ^۷ تمام شد، برخی به آن حضرت گفتند: کسی را بر خود حکم کردی که علیه تو حکم داد! امیرالمؤمنین امام علی ^۷ در پاسخ گفت: من به حکمیت کتاب خدا تن در دادم، نه به حکمیت یک فرد تا نظر شخصی خودش را اعمال کند. اکنون باید به خوارج گفت که در کجای این حکمیت، انحراف از حکم قرآن دیده می‌شود؛ با این که آن حضرت با صراحت اعلام کرد که حکم مخالفت قرآن را رد می‌کند.»^۲

امام باقر ^۷ در این احتجاج، با طرح پرسشی درباره چگونگی انحراف خوارج در جریان حکمیت، سخن را شروع می‌کند و برای اثبات سخن خود، شواهدی از قرآن و سیره پیامبر ^۶ می‌آورد. همچنین ایشان، معیار و میزان حکمیت صحیح از منظر امیرالمؤمنین امام علی ^۷ را موافقت با قرآن، اعلام نمودند.

دوم. رفع شبهه ظالم بودن امیرالمؤمنین امام علی ^۷

عبدالله بن نافع بن ازرق، یکی دیگر از خوارج، مدعی بود که امیرالمؤمنین امام علی ^۷ در جنگ نهروان به خاطر کشتن خوارج، گرفتار ظلم شده است. او در جستجوی کسی بود که ظالم نبودن امیرالمؤمنین امام علی ^۷ را ثابت کند. به او گفتند که از میان فرزندان امیرالمؤمنین امام علی ^۷ شخصی چون ابوجعفر، محمد بن علی می‌تواند به تو پاسخ دهد. وی که از سردمداران خوارج بود، گروهی از بزرگان یارانش را جمع کرد و به حضور امام در مدینه شتافت. به امام گفته شد که اینان برای مناظره آمده‌اند. حضرت فرمود: «اکنون باز گردند و فردا بیایند.»

فردای آن روز، امام باقر ^۷ فرزندان مهاجر و انصار را گرد آورد و گروه خوارج نیز حضور یافتند. امام باقر ^۷ با حمد و ستایش خداوند، سخن آغاز کرد و پس از شهادت به وحدانیت خداوند و رسالت پیامبر اکرم ^۶ فرمود: «سپاس

۱. نساء (۴)، آیه ۳۵.

۲. احمدبن علی طبرسی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۲، ص ۳۲۴.

خدای را با اعطای نبوت به پیامبر اکرم ^۶، ما خاندان را کرامت بخشید و ولایت خویش را به ما اختصاص داد.» سپس امام از مهاجرین و انصار خواست تا هر کس فضیلتی از امیرالمومنین امام علی ^۷ می‌داند بازگو کند. پس هر یک از حاضران برخاسته و فضیلتی درباره آن حضرت بیان کردند. عبدالله نافع گفت: «من این مناقب را بهتر از ایشان می‌دانم. اما امیرالمومنین امام علی ^۷ پس از پذیرش حکمیت کافر شد.» نقل مناقب تا آنجا ادامه یافت که به حدیث خیبر رسیدند که رسول خدا ^۶ در آن فرموده بود: «لَأَعْطِينَ الرَّأْيَةَ غَدًا رَجُلًا يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ، (وَ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولَهُ) يَفْتَحَ اللَّهُ عَلَيَّ يَدِيهِ لَيْسَ بَفَرَّارٍ؛ همانا فردا این رایت را به مردی خواهیم داد که خدا و رسول، را دوست دارد (و خدا و رسول هم، او را دوست دارند)، خدا خیبر را به دست او می‌گشاید. او هرگز نمی‌گریزد.»^۱

در این هنگام، امام باقر ^۷ رو به جانب آن مرد کرد و فرمود: «درباره این حدیث چه می‌گویی؟» خارجی گفت: این حدیث، حق است و شکی در آن نیست، ولی کفر، پس از این مرحله پدید آمد. امام باقر ^۷ فرمود: «آیا آن روز که خداوند علی را دوست می‌داشت، می‌دانست که او در آینده، اهل نهروان را خواهد کشت یا نمی‌دانست؟» مرد گفت: اگر بگویم خدا نمی‌دانست، کافر شده‌ام، پس ناگزیر باید اقرار کنم که خداوند می‌دانسته است. امام باقر ^۷ فرمود: «آیا محبت خدا به امیرالمومنین امام علی ^۷ از آن جهت بوده که وی در اطاعت خدا حرکت می‌کرده یا بخاطر عصیان و نافرمانی بوده است؟»

مرد گفت: «بدیهی است که دوستی خداوند نسبت به امیرالمومنین امام علی ^۷ از جهت اطاعت و بندگی وی بوده است نه عصیان و نافرمانی.»

سخن که به اینجا رسید، امام باقر ^۷ رو به آن مرد کرده و فرمود: اکنون تو شکست خوردی، از جای برخیز و مجلس را ترک کن. مرد از جای برخاست و آیه «حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ» را که بیانگر آشکار گشتن حق برای او بود، خواند و اظهار داشت: «اللَّهُ اعْلَمَ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ»^۲

در این احتجاج، حضرت از چند روش استفاده می‌نماید:

- ✓ فضا سازی با بیان حمد خدا و ذکر کرامت و ولایت خاندان پیامبر ^۶؛
- ✓ استفاده از حاضران جلسه برای اثبات مدعا؛
- ✓ تأکید بر حدیث خیبر؛

۱. ابن هشام، السیره النبویه، قاهره، ج ۲، ص ۳۳۴؛ حاکم نیشابوری، مستدرک، ج ۳، ص ۳۷
 ۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۵۲؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۴۸.

- ✓ طرح پرسش‌هایی برای فهم بیشتر موضوع از طرف مقابل؛
- ✓ گرفتن اقرار از طرف مقابل برای اثبات مدعا؛

امام باقر ^۷ در این احتجاج، فرد خارجی را با ذکر دلایل متقن و استوار، خلع سلاح نمودند و او را به قبول و پذیرش حق (ظالم نبودن امیرالمومنین امام علی ^۷) الزام کردند.

۲. احتجاجات امام باقر ^۷ با خوارج درباره توحید

اساس دعوت پیامبران الهی، بر مبنای توحید و خداشناسی بوده است. توحید، از اصول دین اسلام محسوب می‌شود. فهم صحیح توحید، ضامن ایمان افراد و سعادت جامعه است. هدف امام باقر ^۷ از احتجاجات، اصلاح عقاید منحرفان بود. نمونه‌هایی از احتجاجات امام درباره توحید، ذکر می‌شود؛

اول: بی‌نیازی خدا از زمان و مکان

نافع بن ازرق، از امام باقر ^۷ سوال نمود و گفت: «ای فرزند رسول خدا، مرا خبر ده از خدای عزوجل که از چه وقت و کجا وجود داشت؟» حضرت فرمودند: «به من بگو کدام وقت و زمان هست که خداوند نباشد تا من به تو بگویم از کی پدید آمده است؟ منزه است پروردگار عزیز که پیوسته بوده و خواهد بود. او هرگز از بین نمی‌رود و یگانه و بی‌نیاز است و فرزند و همسری ندارد.»^۱

لازم به ذکر است که خداوند متعال، واجب الوجود است؛ یعنی وجود خداوند، ضرورت دارد و نیستی در پروردگار وجود ندارد تا درباره او سوال شود که از کی بوجود آمده است. افزون بر این، زمان و مکان هر دو پدیده امکانی هستند که خدا آنها را پدید آورده است. از این رو، نمی‌توان برای خدا زمان و مکان قائل شد.

حضرت باقر ^۷ در این احتجاج، با طرح یک پرسش، نافع بن ازرق را به تفکر بیشتر وامی‌دارد. امام برای فهم بیشتر موضوع، صفات خداوند را همچون عزت، جاودانگی، یگانگی و بی‌نیازی را بیان می‌کند و در ادامه با کمک آیه‌ای از قرآن، خداوند را توصیف می‌نماید: «وَأَنَّ تَعَالَىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا؛ و اینکه او، پروردگار والای ما، همسر و فرزندی اختیار نکرده است.»^۲

۱. محمدبن یعقوب کلینی، ج ۱، ص ۸۸؛ شیخ طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۲۱.

۲. الجن (۷۲)، آیه ۳.

امام باقر ^۷ برای اثبات رسانیدن مدعاهای خود، از آیات قرآن بهره می‌جست و کلام خدا را گواه بر سخن خویش می‌گرفت و می‌فرمود: «هر چه را می‌گویم از من سوال کنید {این که گفتمی} در کجای قرآن آمده تا آیه مربوط به آن را برایتان تلاوت نمایم.»^۱

دوم: عدم امکان مشاهده حسی خدا

عبدالله بن سنان یکی از خوارج، از پدرش روایت کند که من خدمت امام باقر ^۷ رسیدم. در همان موقع، مردی از خوارج نزد امام آمد و گفت: ای ابوجعفر! شما عبادت و بندگی کدام چیز را مقدم می‌دانید؟ آن حضرت فرمود: «بندگی خدای تعالی.» آن مرد گفت: او را دیده‌ای؟ امام فرمود: «بله؛ اما چشم‌ها او را با مشاهده چشم نمی‌بینند و لیکن قلب‌ها با حقیقت ایمان او را مشاهده می‌کنند. او با قیاس با موجودات دیگر شناخته نمی‌شود و با حواس قابل درک نیست و به مردم شباهت ندارد؛ بلکه با نشانه‌ها توصیف می‌شود و با راهنمایی‌های دلالات (عقل و فطرت) شناخته می‌شود. در حکمش ستم روا نمی‌دارد؛ این خدای یگانه و معبود یکتاست.» هنگامی که آن مرد از امام، این کلمات را شنید، از خدمت امام بیرون رفت و گفت: «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ؛ یعنی خداوند می‌داند که رسالتش را کجا قرار دهد.»^۲

از طریق حواس پنجگانه می‌توان به حقیقت موجودات مادی و جسمانی پی برد؛ اما خداوند، ماده و جسم نیست که قابل رویت و دیده شدن باشد. قرآن می‌فرماید: «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّهُ الطِّيفُ الْخَبِيرُ؛ چشم‌ها او را در نمی‌یابند ولی او چشم‌ها را در می‌یابد و او لطیف و آگاه است.»^۳

باقرالعلوم ^۷ در این احتجاج، راه‌های شناخت خدا را دو راه معرفی می‌کند؛ یک راه به وسیله حقیقت ایمان و راه دیگر به وسیله تفکر در نشانه‌ها و اوصاف پروردگار حق تعالی است که البته هر دو مکمل هم هستند. اول؛ حقیقت ایمان که از طریق عقل و فطرت سرچشمه می‌گیرد. دوم؛ تفکر در نشانه‌های خداست. قرآن کریم نیز برای خداشناسی، انسان‌ها را به تفکر در نشانه‌های خدا فرامی‌خواند و می‌فرماید: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ؛ همانا در آفرینش آسمان‌ها و زمین و از پی یکدیگر آمدن شب و روز، برای خردمندان نشانه‌هایی وجود دارد.»^۴

۱. شیخ طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۱۶۹.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، ج ۱، ص ۹۷؛ شیخ طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۲۱.

۳. الانعام (۶)، آیه ۱۰۳.

۴. آل عمران (۳)، آیه ۱۹۰.

اسلام، بر اندیشه و خرد استوار است و بنای عقیدتی دین مبین اسلام چنان است که هر چه انسان بر حقایق طبیعی، آگاهی یابد ایمانی آگاهانه‌تر و قلبی راسخ‌تر خواهد داشت.^۱

امام باقر^۷ از مقایسه خداوند با موجودات دیگر نهی می‌نماید. خداوند، خالق همه موجودات است و موجودات را از نیستی به هستی رسانده است و این نشان دهنده قدرت خالق، نسبت به همه موجودات است؛ بنابراین هرگز نمی‌توان خداوند را با دیگر موجودات ضعیف مقایسه کرد.

حضرت در ادامه، به یکی از صفات خداوند یعنی عدل خداوند استناد می‌کند و می‌فرماید: او در داوری‌اش هرگز ستم نمی‌کند. ستم کردن نیز مختص موجود ناقص است و خداوند متعال از این نقص میرا است؛ بنابراین، امام باقر^۷ به نقل گوشه‌ای از خطاهای خوارج در مواجهه با امیرالمومنین امام علی^۷ پرداختند و با مذمت کجروی‌ها و انحرافات‌شان به اصلاح آن قوم می‌پردازد.

ب. نحوه مواجهه امام محمد باقر^۷ با غلات

غلات، از جریان‌های مهمی بود که در عصر امام باقر^۷ بین شیعیان وجود داشت. با توجه به فعالیت‌های فرهنگی غلات که با سوء استفاده از روایات امامان، احادیث ساختگی غلو آمیز را در جامعه گسترش می‌دادند و به الوهیت افراد و انتقال روح از جسد مردگان به زنده‌ها (تناسخ) قائل بودند، برای جلوگیری از انحراف در جامعه اسلامی به ویژه در میان شیعیان، همچون امامان پیش از خود و نیز امامان بعد از خود مبارزه گسترده‌ای با غلات داشت و حتی آنان را لعن می‌کرد.^۲

در این راستا امام باقر^۷ با غالیان به مبارزه پرداخت و از ایشان بیزارى جست و از شیعیان خواست موضعی میانه اتخاذ نمایند و شیعیان را از پذیرش آموزه‌های این طایفه بر حذر داشت.

از این جمله باید از ابوالخطاب یاد کرد که سازماندهی نخستین گروه‌های باطنیه به عنوان سلف اسماعیلیه را به او نسبت داده‌اند و امام باقر^۷ از او تبری جسته است. غلات که خود را شیعه می‌خواندند، با افکار و اعمالشان باعث بدنامی شیعه می‌شدند و با کارهای ناشایست خود در انظار عمومی بیشترین صدمه را به اسلام و امامان شیعه

۱. اکبر دهقان، راه رشد، ص ۱۵۵.

۲. اصغر منتظر القائم، تاریخ امامت، ص ۱۸۵.

می‌زدند. در مکتب اهل بیت: و امام باقر^۷ و شاگردان دست پرورده حضرت در صف اول مبارزه با این گونه جریانات فکری و مذهبی بودند.^۱

مقام معظم رهبری مدظله العالی در این رابطه می‌فرماید: «یاد امام باقر^۷، یعنی یاد سر برآوردن حیات دوباره جریان اصیل اسلامی در مقابله با تحریف‌ها و مسخ‌هایی که انجام گرفته بود.»^۲

از غالیان مشهور این دوره «بیان بن سمعان» بود که پیروان او را بیانیه می‌نامند. درباره وی گفته‌اند که به الوهیت علی بن ابیطالب^۷ و حسن بن علی^۷ و حسین بن علی^۷ و محمد بن حنفیه و سپس ابوهاشم (فرزند محمد بن حنفیه) قائل بوده و خود را مصداق آیه «هذا بیان للناس» دانسته است.^۳ از دیگر غالیان این دوره «مغیره بن سعید» بود. او درباره خداوند، قائل به تجسیم بود و سخنان غلوآمیز درباره امیرالمومنین امام علی^۷ می‌گفت.^۴ وی همچنین مدعی بود، امام باقر^۷ او را وصی خود کرده است.^۵

امام باقر^۷ از وجود چنین عناصر ناسالمی، کاملاً آگاهی داشت و در هر فرصت، به افشای چهره غالیان و انکار بافته‌های ایشان می‌پرداخت. امام، درباره مغیره فرمود: آیا می‌دانید مغیره مانند کیست؟ مغیره مانند بلعم است که خداوند در حق وی فرمود: «وَإِئْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأُ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ»^۶ ما آیات خود را به او عطا کردیم، ولی او به عصیان گرایید و پیرو شیطان گشت و در زمره گمراهان جهان قرار گرفت.»^۷ از این روایت استفاده می‌شود که مغیره در آغاز گمراه نبوده ولی به تدریج گرفتار کجروی و غلو گردید.

امام باقر^۷ درباره «بیان» فرمودند: «خداوند بیان تبان^۸ را لعنت کند؛ زیرا بر پدرم دروغ می‌بست. من شهادت می‌دهم، پدرم بنده صالح خداوند بود.»^۹ امام، با افشاگری چهره واقعی غالیان و دروغ‌پردازان با آنها مقابله می‌کردند

۱. محمود حیدری آقائی، تاریخ تشیع، ج ۱، ص ۲۳۰.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۴/۹/۱۳۸۸.

۳. محمدبن جریر طبری، تاریخ الرسل و المملوک، ج ۵، ص ۴۵۷.

۴. همان.

۵. سعد بن هبدالله اشعری، مقالات و الفرق، ص ۳۳.

۶. اعراف (۷)، آیه ۱۷۵.

۷. محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۴۲؛ محمد بن عمر کشی، اختیار معرفه الرجال، ص ۲۲۸، محمد باقر

مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۲۲.

۸. تبان به معنای علاف و کلاه فروش است.

۹. محمد بن عمر کشی، اختیار معرفه الرجال، اختیار معرفه الرجال، ص ۳۰۱.

و زمانی که غلات به اصل دین ضربه می‌زدند و به امام مقام الوهیت می‌دادند و تفسیر به رأی از قرآن می‌کردند، آنها را مورد لعن خود قرار داده و از آنها بیزاری می‌جستند.

روزگار امام باقر^۷، دوره‌ای به شمار می‌آید که فعالیت‌های غالباً ظهور بیشتری یافت و آنان توانستند در صفوف شیعه رخنه کنند. از همین روست که امام از مواضع غالیان تبرّی جسته، شیعیان را از پذیرش آموزه‌های این طایفه — که شمارشان رو به فزونی بود— برحذر می‌دارد. امام آنان را طرد کرد و از جمع خود بیرون راند.^۱ علمای امامیه نیز غلات را نکوهش و تکفیر کرده‌اند. مرحوم شیخ صدوق، غلات را کافر و بدتر از یهود و نصاری و مجوس، قدریه و دیگر فرقه‌های گمراه دانست.^۲ مرحوم شیخ مفید آنان را گمراه و کافر دانسته و تأکید کرده است که ائمه: به کفر و خروج آنان از اسلام حکم کرده‌اند.^۳

نتیجه‌گیری

امامان معصوم، انسان‌های کاملی هستند که در همه جهات اخلاقی و ارتباطی و عبادی و علمی به اوج کمال رسیده‌اند و بهترین الگو برای مردم در تمامی جنبه‌های زندگی به شمار می‌روند. امام محمدباقر^۷ در زمینه علم و اخلاق و عبادت در بین مردم عصر خویش نمونه بود. امام باقر^۷ برای توسعه علم و تبلیغ دین و روشنگری نیاز به ارتباط با مردم داشتند و از بهترین شیوه‌های ارتباطی برای انتقال پیام الهی به مخاطبان خود بهره برده‌اند. در این پژوهش، شیوه‌های ارتباطی و نحوه مواجهه امام محمد باقر^۷ با فرقه‌های خوارج و غلات بررسی شده است و نتایج حاصله از این پژوهش عبارتند از اینکه نحوه مواجهه امام با مخالفان با تفکیک نوع مخالفان بوده است. بدین صورت که امام باقر^۷ در مواجهه با خوارج با شیوه کلامی احتجاج، با آنها ارتباط برقرار می‌کرد و به تصحیح اندیشه‌ها و باورهای منحرفان عقیدتی می‌پرداخت و در مواجهه با غالیان، پند و اندرز و همچنین تکذیب عقاید و در نهایت لعن و طرد منحرفان بوده و با آنان به مبارزه پرداخت و از ایشان بیزاری جست و از شیعیان خواست موضعی میانه اتخاذ نمایند و شیعیان را از پذیرش آموزه‌های این طایفه بر حذر داشت چنانچه در اندیشه حضرت امام خامنه‌ای مدظله العالی، یاد امام باقر^۷، یعنی یاد سر برآوردن حیات دوباره جریان اصیل اسلامی در مقابله با تحریف‌ها و مسخ‌هایی که انجام گرفته بود.

۱. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن، الكامل فی التاریخ، بیروت: دارصار، ۱۳۸۵ق، ج ۵، ص ۲۰۹.

۲. شیخ صدوق، ابن بابویه، ابوجعفر محمدبن علی، الاعتقادات، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۹۷.

۳. شیخ مفید، اوائل المقالات، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۴۹.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- کتب فارسی
- ۱. سیوطی، جلال الدین، عرف الوردی فی الخبارالمهدی، ترجمه محمود مطهری‌نیا، قم، انتشارات کتاب جمکران، ۱۳۹۷ش.
- ۲. خامنه‌ای، سیدعلی، انسان ۲۵۰ساله، تهران، انتشارات موسسه ایمان جهادی، ۱۳۹۰ش.
- ۳. دهقان، اکبر، راه رشد، چاپ اول، ق، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۷۹ش.
- ۴. معین، محمد، فرهنگ معین، چاپ هشتم، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۹۰ش.
- ۵. مطهری، مرتضی، جاذبه و دافعه علی(ع)، چاپ چهل و پنجم، تهران، نشرصدرا، ۱۳۸۳ش.
- ۶. دهقان، اکبر، راه رشد، چاپ اول، قم، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۷۹ش.
- ۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی، چاپ دوم، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
- ۸. حیدری آقائی، محمود، تاریخ تشیع، دوره حضور امامان معصوم، قم، انتشارات حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳ش.
- ۹. منتظر القائم، اصغر، تاریخ امامت، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۷ش.
- ۱۰. نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعیه، ترجمه محمدجواد مشکور، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶ش.
- ۱۱. اشعری، سعد بن عبدالله، المقالات و الفرق، ترجمه محمد جواد مشکور، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۰ق.

• کتب عربی

- ۱۲. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن، الكامل فی التاریخ، بیروت، دارصار، ۱۳۸۵ق.
- ۱۳. ابن بابویه (شیخ صدوق)، ابوجعفر محمدبن علی، الاعتقادات، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ق.
- ۱۴. -----، علل الشرایع، قم، نشر دآوری، ۱۳۸۵ش.
- ۱۵. -----، معانی الاخبار، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، دفترانتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ق.
- ۱۶. -----، من لا یحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، بی تا.
- ۱۷. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمدعلی، مناقب آل ابی طالب، قم، نشر علامه، ۱۳۷۶ق.
- ۱۸. ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث، ۱۴۰۵ق.
- ۱۹. ابن هشام، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- ۲۰. اشعری، ابوالحسن، مقالات الاسلامیین، آلمان، فراینس شتاینر، ۱۴۰۰ق.
- ۲۱. جواهری، محمدحسن، جواهر الکلام، تهران، دار العلم للملایین، بی تا.
- ۲۲. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، مستدرک، بیروت، المكتبة العصریة، ۱۴۲۰ق.
- ۲۳. خمینی، سید روح الله، کتاب الطهاره، نجف، مطبوعه الاداب، ۱۳۹۸ق.
- ۲۴. زبیدی، محمدبن محمد، تاج العروس من جواهرالقاموس، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.

٢٥. طباطبائي، محمدحسين، الميزان في تفسير القرآن، بيروت، موسسه الاعلمى للمطبوعات، ١٤٠٢هـ.ق.
٢٦. طبرسى، احمدبن على، الاحتجاج على اهل اللجاج، مشهد، مرتضى، ١٤٠٣ق.
٢٧. طبرى، محمد بن جرير، دلائل الامامة، قم، بعثت، ١٤١٣ق
٢٨. -----، تاريخ الرسل و المملوك (معروف به تاريخ الطبرى)، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤١٤ق.
٢٩. طريحي، فخرالدين بن محمد، مجمع البحرين، چاپ سوم، تهران، مرتضوى، ١٣٧٥ش.
٣٠. عياشى، محمد بن مسعود، تفسير العياشى، تهران، مكتبة العلمیة الاسلامیة، بی تا.
٣١. فراهيدى، خليل بن احمد، العين، بيروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ١٤٠٨ق.
٣٢. فيروزآبادى، محمد بن يعقوب، القاموس المحيط، بيروت، دار الكتب العلمیة، ١٤١٥ق.
٣٣. كشى، محمدبن عمر، اختيار معرفة الرجال(رجال الكشى)، تحقيق محمدبن الحسن طوسى و تصحيح حسن مصطفوى، مشهد، موسسه نشر دانشگاه مشهد، ١٤٠٩ق.
٣٤. كلينى، محمدبن يعقوب، الكافى، تصحيح على اكبر غفارى و محمد آخوندى، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ١٤٠٧ق.
٣٥. مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤٠٣ق.
٣٦. مصطفوى، حسن، التحقيق فى كلمات القرآن الكريم، چ سوم، بيروت، دارالكتب العلمیة، ١٤٣٠ق.
٣٧. مغربى، قاضى نعمان، دعائم الاسلام، مصر، دارالمعارف، ١٣٨٣ق.
٣٨. نعمان، محمد بن محمد (شيخ مفيد)، اوائل المقالات، قم، كنگره شيخ مفيد، ١٤١٣ق.
٣٩. -----، صحيح اعتقادات الاماميه، قم، كنگره شيخ مفيد، ١٤١٤ق.
٤٠. -----، الارشاد فى معرفة حجج الله على العباد، قم، كنگره شيخ مفيد، ١٤١٣ق.
٤١. يعقوبى، احمدبن اسحاق، تاريخ اليعقوبى، تحقيق عبدالامير مهنا، بيروت، موسسه الاعلمى للمطبوعات، ١٤١٣ق.